

نگاره

شبِ به یاد «میرزا غلامرضا»

● گروه هنر: گالری آریانا در نیمه آذر ۹۸ میزبان شمار زیادی از علاقه‌مندان خط و خوشنویسی و استادان بنام این عرصه بود. بهانه این گردهمایی، رونمایی از کتاب «مجموعه آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا اصفهانی» نوشته مرحوم دکتر مظفر بختیار بود که از سوی انتشارات کتابسرای نیک روانه بازار شده است. در کنار رونمایی،برپایی نمایشگاهی از آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا با عنوان «الفقیر غلامرضا» شبی به یادماندنی را به یاد و نام این خوشنویس بنام دوره قاجار رقم زد. سخنران اول برنامه، زروان بختیار، فرزند مرحوم مظفر بختیار، نویسنده و گردآورنده کتاب «مجموعه آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا اصفهانی» بود. بختیار پدرش و برادرش اوزمرد را نزدیک‌ترین شاهدان نوشته‌شدن و چاپ این کتاب دانست که از کودکی با این کتاب بزرگ شده‌اند. او از عشق و علاقه پدرش به میرزا غلامرضا گفت و اینکه «همیشه در خانه ما خط‌های میرزا غلامرضا روی دیوار بود. پدرم حتی در سفرهای طولانی‌ای که به چین و کره بختیار می‌کردند، تصاویر آثار میرزا غلامرضا را همراه خود می‌بردند. همیشه شان خاصی برای میرزا غلامرضا قائل بودند و حتی با احترام از جلوی طحشان رد می‌شدند.» بختیار در ادامه با اشاره به تحقیق و پژوهش ۳۰ساله پدرش روی آثار میرزا غلامرضا افزود: «اصل تالیف چنین کتابی فقط نیازمند دانش در خوشنویسی نیست، مؤلف باید با فرهنگ دوره قاجار، نگارگری، کاغذسازی و مواردی ازاین‌دست آشنا باشد و پدرم به همه اینها مسلط بود.» فرزند زنده‌یاد بختیار ادامه داد: «دلیل دسترسی پدرم به آثار میرزا غلامرضا آن بود که ایشان از طرف مادری نوه معیرالممالک هستند، البته دربار دوره قاجار اطلاعات زیادی وجود نداشت و پدرم با پژوهش چندساله این آثار را جمع‌آوری کردند و برای همین این کتاب ناب است».محمدرضا اصلائی، پژوهشگر، کارگردان و مستندساز نیز به‌عنوان دوست دیرین مرحوم بختیار مشاور کیفی این کتاب بوده. او با اشاره به تلاش ۳۰ساله مرحوم بختیار در جمع‌آوری و نگارش این کتاب درباره میرزا غلامرضا افزود: «او



از کسانی بود که در خاندان معیرالممالک نگهداری و حضانت شد. او معلم فرزندان محمد شاه بود و باید او را یکی از گنجینه‌های اندیشه و هنر دوران قاجار در خانواده معیرالممالک دانست.شاید اگر معیرالممالک از میرزا غلامرضا حمایت نمی‌کرد، او فرصت نمی‌یافت چنین آثار مهمی را عرضه کند. این خود یک نوع مدیریت فرهنگی است. میرزا غلامرضا فقط یک خوشنویس نیست. او یک نقاش پیشرو است که صد سال جلوتر از اسپیروسینوستاست ایران اروپایی بود. در فرهنگ ما کمال‌الدین بهزاد هم چنین جایگاهی دارد. بالاینکه بهزاد هم‌عصر داونیچی است اما به‌جرت می‌گویم که از داونیچی پیشروتر و مدرن‌تر بود. کسانی که معتقدند ایرانیان نقاشی ندارند، فهمی از نقاشی ندارند».

در ادامه این مراسم مهدی عتیقی‌مقدم صحبت داد و تمام کارهای مرحوم بختیار ازجمله کتاب ایران پل فیروزه و همین کتاب مجموعه آثار میرزا غلامرضا را کارهایی ارزشمند و بزرگ دانست و افزود: «کاش این کتاب در یک کنفره جهانی معرفی می‌شد. من هر چه از دکتر بختیار بگویم، کم گفته‌ام. وقتی ایشان اراده کردند که آثار میرزا غلامرضا چاپ شود، خانواده ما که عقبه ۶۰۰ساله‌ای از هنر و علاقه‌مندی به هنر دارد و از محل نگهداری این آثار نزد مجموعه‌های مختلف مطلع است، کمک کرد این آثار در اختیار دکتر بختیار قرار بگیرد.»سخنران پایانی این مراسم، سیدمحمد احصایی بود. احصایی کتاب مجموعه آثار میرزا غلامرضا را اثری ماندگار برای شناخت و معرفی این هنرمند یگانه دانست که در خط شکسته‌نسبتعلیق استاد مسلم است. احصایی در ادامه برای حاضران تعریف کرد: «در خواب میرزا غلامرضا را دیدم که به من اخمی کرد. از خواب پریدم و متوجه شدم که باید موضوع این باشد که میرزا مرگ درویش عبدالمجید را در اوج جوانی توانست تحمل کند. به نظر من میرزا این جغای روزگار را بر نمی‌تابد و با رقم‌بردن بسیاری از آثار خود به نام درویش عبدالمجید عمر درویش را با این کار تداوم می‌بخشد». احصایی در ادامه به ذکر خوابی که مدتی بعد از این ماجرا می‌بیند، پرداخت و اینکه در خیابان میرزا غلامرضا دست در گردن او می‌اندازد و او را می‌بخشد.پس از پایان سخنرانی‌ها، حاضران از نمایشگاه آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا اصفهانی که به مدت پنج روز در گالری آریانا دایر خواهد شد، دیدن کردند. آثار ارائه‌شده در این نمایشگاه شامل هشت تابلو و سه کتیبه از آثار میرزا غلامرضا اصفهانی می‌شود. به گفته امیرحسین عبداللهی، مدیر گالری آریانا، آثار ارائه‌شده از مجموعه‌های شخصی هستند و برای فروش نیستند. البته کتیبه‌چاپ‌شده برای فروش است و قیمت این اثر نفیس که تنها در ۵۰۰ نسخه شماره‌دار و به صورت کلکسیونی منتشر می‌شود، یک‌میلیون و ۸۵۰ هزار تومان است، گرچه با تلاش ناشر صد نسخه از آن با جلد سوخته و همانند آنچه در زمان قدیم و برای چاپ دستی اتفاق می‌افتاد، عرضه خواهد شد.

گروه هنر:
علی مغازه ای در گفت‌وگویی با «شرق» به ضرورت برگزاری جشنواره «موسیقی آینده‌دار» پرداخت و درعین حال نگاه اجمالی به وضعیت موسیقی نواحی و اقوام ایران داشت ...

● **جشنواره موسیقی آینده‌دار پیش از هر چیز یادآور کار بزرگی است که محمدرضا درویشی با جشنواره موسیقی نواحی در کرمان آغاز کرد. نظراتان چیست؟**

کار دوست و استاد عزیزم محمدرضا درویشی، خود ادامه کار بزرگان و استادان پیشین و افرادی بود که این حرکت را پیش از آقای درویشی در پیش از انقلاب شروع کرده بودند. خانم فزویه مجد و آقای فرخ غفاری به‌نوعی آغازگر مدرن این حرکت بودند. البته پیش از آنها افسرد زیادی فعالیت‌های متنوعی در این زمینه داشتند ازجمله استاد صبا؛ اما تقریباً همه کارهای آنها انفرادی بود. در حرکتی که از سویی فرخ غفاری و با برنامه و پیگیری‌های خانم مجد انجام می‌شود، موسیقی اقوام و نواحی ایران برای نخستین‌بار مرکز توجه قرار می‌گیرد و آنها توانستند این موسیقی‌ها را به جامعه شهری و هنرمندان آن روزگار معرفی کنند. حدود ۲۰ سال پس از پیروزی انقلاب، آقای محمدرضا درویشی در پی ارتباط خوبی که با مدیران دولتی موسیقی ایران آن زمان پیدا می‌کند، این امکان را فراهم می‌کند که جشنواره مستقل موسیقی اقوام و نواحی ایران راه‌اندازی شود. می‌دانید که پیش از آن، جشنواره موسیقی فجر یک بخش اقوام و نواحی هم داشت. آن جشنواره‌ها هر دو همچنان با نقاط قوت و ضعف‌های خود در جریان هستند. من مخالفتی ندارم که شما بگویید کار ما در تداوم کار تمام این عزیزان پیش‌کسوت و بزرگ موسیقی ایران است؛ اما با رویکردی خاص و متفاوت.

● **تعامل با هنرمندان نواحی چگونه است؟**

سخت‌ترین و درعین‌حال جذاب‌ترین کار در این جشنواره این بخش است که سختی کار را با شربینی و حلاوتش می‌شود نادیده گرفت. موسیقی نزد اقوام ایرانی، موسیقی‌ای است که جنبه‌های مختلف، متنوع و متنکثری دارد که می‌توان گفت حرکت‌هایی که تاکنون انجام شده است، چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب، جنبه‌های محدودی از این تکثر را در وجوه این موسیقی پوشش دادند. من می‌توانم موارد زیادی از جذابیت این کار بگویم؛ اما این بحث خودش بحثی فلسفی است که به زمان بعدی موکولش می‌کنم.

● **بخشی از این جذابیت‌ها چیست؟**

جنبه‌های مدنظر من اشکال موسیقی اقوام نیست که تاکنون به آن توجه نشده باشد؛ موضوع شیوه توجه ما با رویکرد ما به این موسیقی‌هاست. موسیقی‌هایی که در فرهنگ‌ها و بافت زندگی و حیات فرهنگی اقوام مختلف، به‌طور سنتی شکل گرفته و تداوم پیدا کرده و به امروز رسیده، زوایایی دارد که می‌توانیم از آن زوایا به درونش نگاه کنیم که در ذهن من این کار اسنشدن را واقع «بازشناسی» این موسیقی‌هاست. اگرچه آنچه اکنون از این موسیقی‌ها در دست است، بسیار نحیف و محدود است و یک نگاه جامع و بینارشته‌ای لازم است تا امر بازساختی به نتایج مطلوب ختم شود.

● **با اتصال موسیقی نواحی با موسیقی امروز چیست؟ اصلاً می‌توان پیوندی برقرار کرد؟**

تعبیر پل اتصالی موسیقی نواحی با موسیقی امروز به‌ نظرم می‌رسد درعین‌حال که سؤال ارزشمندی است، خیلی رسا و بسنده نیست. به این دلیل که موسیقی اقوام و موسیقی امروز اگرچه در پیوند هستند، ولی در واقع موسیقی امروز برداشتی از تصور و تفکر انسان موسیقایی جهان امروز است. انسان یک مخلوق موسیقایی است. ما انسان‌هایی هستیم که در این چندفرهنگی موجود، زبان مشترک مفاهم‌های داریم که آن زبان، زبان موسیقی است. انسان، انسان موسیقایی است به دلیل آنکه انسان‌ها به وسیله موسیقی می‌توانند باهم پیوند برقرار کنند. بااین‌حال، موسیقی اقوام ایرانی، ساختار و ساخت متفاوتی از موسیقی امروز دارد که این نیازمند بحث خیلی پیچیده‌ای است. در این تحلیل، در موسیقی امروز ایران و پیوند این موسیقی با گذشته که گفته می‌شود برابندی از موسیقی‌های اقوام ایران است، نوعی دگرسازی و ادغام صورت گرفته است. در واقع این انضمام یا integration با موسیقی‌های اقوام است که خود به‌نوعی محدود است به درک و دریافت و اطلاع و اشراف محدود برخی بزرگانی که در یک دوره تاریخی برسرآزنده موسیقایی امروز می‌بودند. درست است که موسیقی دستگاهی ایران که به تعبیر بسیاری از دوستان موسیقی‌شناس و بزرگان پیشین، برابندی است از موسیقی‌های گذشته انسان ایرانی، اما به نظر من دگرساز‌ای است از شناخت محدود از بخش‌هایی از موسیقی‌های موجود اقوام ایرانی و از همین‌رو بخش‌هایی از موسیقی ایران به فراموشی سپرده شده‌اند. البته از زاویه دیگر هم می‌توان به این انضمام نگاه کرد که در طی فرآیندی زیبایی‌شناسانه پوسته از بدنه اصلی جدا شده و جان و روح خالص آن به‌جا مانده که شخصاً با دیدگاه اخیر چندان سازگار نیست.

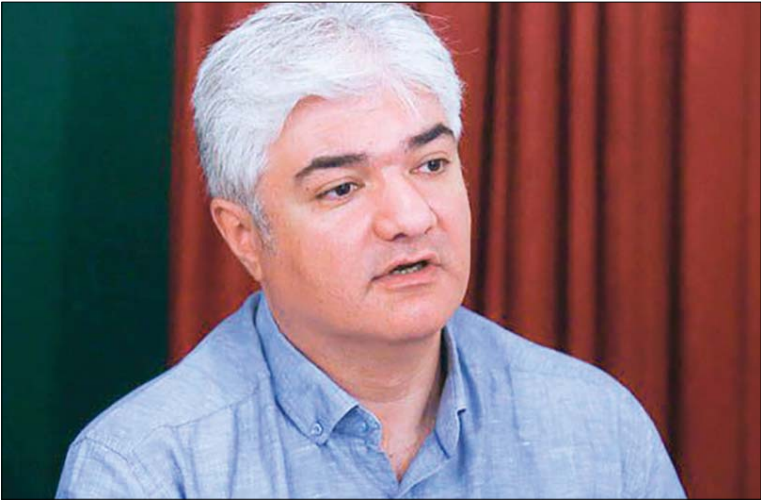
● **برای زنده نگه‌داشتن موسیقی نواحی در ایران آیا برگزاری جشنواره‌هایی ازاین دست کافی است؟**

این بحث زنده نگه‌داشتن موسیقی نواحی با اقوام ایران، تعبیری است که پس از انقلاب بسیار

هنر

گفت‌وگو با علی مغازه‌ای، دبیر جشنواره «موسیقی آینده‌دار»

بازشناسی موسیقی‌های اقوام



به کار رفت و به شکل یک «دیسکوس» مدیریت می‌درآمد. من اعتقادی به زنده نگه‌داشتن با امکان مردن موسیقی اقوام به آن شکلی که از طرف دولت مطرح می‌شود، ندارم. موسیقی اقوام با موسیقی‌های مرتبط با فرهنگ‌های کشور و البته به همین نسبت موسیقی‌های قومی در جهان، خود بحث‌های متنوعی دارد و مشخصاً می‌توانیم به بخش‌هایی از آن اشاره کنیم. نخست باید در نظر بگیریم که این موسیقی‌ها کاربرد و کارکرد را توأمان داشتند که با توجه به سبک زندگی و سیاق زندگی انسان امروزی، کارکرد و کاربرد این موسیقی‌ها دچار اختلالات و ناهم‌زمانی و ناهم‌زبانی‌های عجیبی شده که ممکن است به‌مرور از کارکردشان کاسته شود تا از گردونه تداوم خارج شوند و به‌طورکلی محو شوند؛ پس این بحث درستی نیست که به‌طورکلی بنده با کسانی می‌توانیم اینها را زنده نگه داریم. موضوع اصلی بازشناسی این موسیقی‌هاست. از نظر من درصورتی‌که ما بازشناسی این موسیقی‌ها را درست انجام بدهیم، می‌توانیم از این موسیقی‌ها بهره‌برداری‌های روزآمد و کیفی داشته باشیم. متأسفانه ما در این زمینه چار بحران در تعریف و بازتعریف الگوهای هستیم که در موسیقی به طور کلی در جهان اتفاق افتاده و از سوی هنرمندان برجسته‌ای در همه دنیا، در طول ۲۰۰ سال اخیر؛ بلکه هم بیشتر شکل گرفته؛ ولی ما به‌طورکلی مثل بسیاری از موارد دیگر شناخت‌مان از این تعریف‌ها بسیار سطحی و شاید در حد گزارش‌های ژورنالیستی است و این نوع برداشت به هیچ جایی نمی‌رسد. به‌طورکلی زنده نگه‌داشتن یک تفسیر من‌دراوردی و بزرگ‌نماییانه از فعالیت‌ی است که افرادی در طول یک‌سری فعالیت‌های جشنواره‌ای ساخته و پرداخته‌اند که من کاملاً مخالف این اسم‌گذاری با تعبیرها و چنین حرکت‌هایی هستم و پروژه آینده‌دار را هم خارج از این تحلیل و تفسیر‌ها می‌دانم.

● **با توجه به اینکه سال آینده با برگزاری هفتمین دوره، «جشنواره آینده‌دار» به کارش پایان می‌دهد، واقعاً در این هفت دوره توانسته‌اید موسیقی تمام نواحی را در جشنواره آینده‌دار پوشش بدهید؟**

ادعای بسیار کزافی است که کسی مدعی شود یا اعلام کند که توانسته تمام موسیقی‌های تمام اقوام و نواحی ایران را در فرایند فعالیت‌ی خودش پوشش بدهد. ارجاع می‌دهم به پاسخی که به سوال قبلی‌تان دادم. شناخت و بازنمایی موسیقی اقوام ایرانی محدود است به دریافت ما از موسیقی آنها. این موسیقی‌ها به قول ادیب‌ات، فلسفه و عرفان شرقی یک صورت زبرین دارند و یک صورت زبرین صورت‌های متعدد زبرین در کمال سادگی کارکردهایی دارند که این کارکردها صورت‌های تبیین فلسفه زیستی و تداوم بااین‌حال، موسیقی اقوام ایرانی، ساختار و طایوف و خاندان‌ها و خانواده‌های متنوع

ایران است که در شکل کلی می‌توانیم بگوییم که یک تمدن سرشار از فرهنگ‌های متفاوت داریم که به هر دلیل در طول تاریخ شکل گرفته. این دلایل می‌تواند ادغام فرهنگ‌ها در یک کشور به دلیل جهان‌گشایی باشد یا تمایل به حضور در یک فرهنگ وسیع‌تر به واسطه تصمیم‌های فرهنگ‌های خردتر. به طور قاطع از دید خودم می‌گویم که شناسایی و معرفی موسیقی‌های اقوام ایرانی نتهت‌ها در توان ما؛ بلکه در توان دولت‌ها هم نیست؛ چراکه این موسیقی‌ها زمینه‌های بسیار متنوع و چندوجهی دارند که ما با توانی که امروز در خود و جشنواره‌های دولتی می‌بینیم، همگی عاجز از رسیدن به مطلوب در این عرصه هستیم.

● **به‌عنوان دبیر جشنواره با وضعیتِی که موسیقی نواحی ما دارد، هفت دوره برای آن کافی است؟** پاسخ این سؤال در لابه‌لای گفته‌های قبلی مستتر است؛ به این شکل که با افزودن این جمله که ما با یک پدیده سلب پکنواخت مواجه نیستیم که بتوانیم بگوییم در یک، دو، ۵۰ یا ۸۰ دوره می‌توانیم آن را به طور کامل یا تام و تمام شناسایی و معرفی کنیم. ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توانیم از جنبه‌های متنوع و متنکثری نگاهش کنیم که دست‌کم از پس از انقلاب تا به امروز نگاه به موسیقی یک نگاه ازکتیو بوده و در این مدت سوزگی در موسیقی‌ها

مسئله در این نقطه باز به تعریف‌های فلسفی از مفاهیمی که مطرح شد، می‌رسد. از جمله اینکه موسیقی مظلوم اقوام و نواحی باید مورد توجه قرار بگیرد و شعارهایی از این دست، بدون هیچ زیرساخت بنیادین راه‌بردی فقط جشنواره‌ها و فستیوال‌هایی برگزار شد که افرادی که به‌طورکلی در تمامی جشنواره‌ها میهمان ثابت جشنواره‌های دولتی موسیقی نواحی بودند و هستند در تکرار آنچه که از گذشته تا به امروز به شکل محدودی از گذشتگان‌شان آموخته بودند یا به هر شکل در اختیار داشتند به تکرار خود و موسیقی محدودی هدایت شدند و از سویی خود به دلیل کم‌توجهی و غفلت ما همان موسیقی‌ها به معنی تمامیت موسیقی اقوام شناخته شدند. درحالی‌که اگر توجه می‌کردیم، می‌دیدیم که این موسیقی‌ها یک ریتورال ثابت و شاید حتی محدودی بودند که در حال تکرار بودند و شاید دهه‌ها سال است که دارند تکرار می‌شوند و هربار چون مخاطب ثابتی ندارند، همان ریتورال سابق و سال قبل، تکرار می‌شود و به‌به و چه‌چه‌ی هم از اطراف شنیده می‌شود و اسمش به‌عنوان حمایت از موسیقی اقوام مورد قبول عناصر دولتی قرار می‌گیرد و بودجه‌هایی صرف این موضوع می‌شود که در کنار این بودجه‌هایی که صرف می‌شود، حقیقتاً بیان‌ها هر می‌شود و بودجه هم تقسیم، بر دو می‌شود. بخش محدودش به هنرمندان می‌رسد و بخش عمده‌اش صرف برزیویا‌ش‌ها و پاداش و حق جلسه‌ها و بلیت‌های گران هوایی‌ما از موسیقی اقوام مورد قبول عناصر دولتی قرار می‌گیرد و بودجه‌هایی صرف این موضوع می‌شود که در کنار این بودجه‌هایی که صرف می‌شود، حقیقتاً بیان‌ها هر می‌شود و بودجه هم تقسیم، بر دو می‌شود. بخش محدودش به هنرمندان می‌رسد و بخش عمده‌اش صرف برزیویا‌ش‌ها و پاداش و حق جلسه‌ها و بلیت‌های گران هوایی‌ما می‌شود که این کارها به‌هیچ‌عنوان هیچ سختی با شناخت، بازشناسی و بدرسمیت‌شناسی گونه‌های موسیقایی ندارند.

● **اگر بخواهید مروری بر شش دوره جشنواره آینده‌دار داشته باشید، چه خصوصیات و ویژگی‌هایی می‌توانید برای آن برشمارید؟** در مرور شش دوره پیشین جشنواره من فقط یک نکته را می‌توانم بگویم که خود ایده ما هرچنان که به عمر جشنواره افزوده می‌شد به عمقش هم افزوده شد. با افزوده‌شدن به عمر جشنواره عمق ایده و آرمان با بیشتر و گسترده‌تر شد و ما امروز در نقطه‌ای قرار گرفته‌ایم که ممکن است بتوانیم تعریف‌های بسیط و ارزشمندتری طراحی کنیم و اگر زمان‌ها بماند می‌توانیم آن را دید ما هر چیزی که اجرای تعاریف و گام‌های تازه‌تر اقداماتی بکنیم.

● **امسال نوبت به جنوب البرز و خراسان شمالی و ترکمن‌ها رسيد. معیار انتخاب نوازندگان در این شش دوره و دوره حال حاضر چگونه بوده است؟** بخشی از معیار انتخاب‌های ما درخصوص نوازنده‌ها بر پایه شناختی است که به واسطه فعالیت پیشینیان ما حاصل شده و مقداری هم در مرادوات و مطالعات حضوری در منطقه ایجاد می‌شود. در اقدامات متنوع هستند و یک مقدار سلیقه‌ای و ذوقی که ممکن است در توضیحش زبانم گویا نباشد، اما در ارتباط با معیار انتخاب جغرافیا تصمیم گرفتیم که با اشتراکات آن و البته ثبت تاریخ شفاهی این موسیقی است که متأسفانه تاکنون نه‌تنها جشنواره موسیقی نواحی که توسط وزارت ارشاد برگزار می‌شود این خروجی را نداشته تا آنجا که من اطلاع دارم، جشنواره آینده‌دار هم چنین خروجی‌ای نداشته. چه زمانی قرار است آثار ضبط‌شده نوازندگان با کیفی اوبرای آن در این جشنواره شرکت داشته‌اند و گفت‌وگو با این استادان که اکثرشان سن بالای دارند، منتشر شود؟

● **یکی از مهم‌ترین دستاوردهای برگزاری جشنواره برای موسیقی نواحی، ضبط آثار نوازندگان آن و البته ثبت تاریخ شفاهی این موسیقی است که متأسفانه تاکنون نه‌تنها جشنواره موسیقی نواحی که توسط وزارت ارشاد برگزار می‌شود این خروجی را نداشته تا آنجا که من اطلاع دارم، جشنواره آینده‌دار هم چنین خروجی‌ای نداشته. چه زمانی قرار است آثار ضبط‌شده نوازندگان با کیفی اوبرای آن در این جشنواره شرکت داشته‌اند و گفت‌وگو با این استادان که اکثرشان سن بالای دارند، منتشر شود؟**

به نکته درستی اشاره کردید. بله، موافقم که از دستاورد و خروجی‌های جشنواره‌های متعدد و مختلف در ایران جز یکی، دو دوره که ما هم متأسفانه از دستاوردهای لازم برخوردار نبود، چیزی در دست نیست. به‌جز همان چند دوره که توسط حوزه هنری منتشر شد، همواره جشنواره‌ها یک کارکرد نمایشی و تبلیغاتی برای مدیریت دولتی، داشته‌اند و در حقیقت جشنواره‌ها یک حرکت دارای ریف تکلیف بر پایه یک نظریه کهنه و نادرست زیر عنوان حمایت از موسیقی اقوام هستند که هیچ خروجی و برون‌دهی نداشته‌اند. ما هم در فستیوال آینده‌دار تا به حال به‌جز یک دوره که با شتاب و به نوعی خام‌دستانه پنج آلبوم صوتی در منتشر کردیم و بعد پشیمان شدیم، هنوز چیزی منتشر نکرده‌ایم. تلاش داریم تمام کارها را پس از پایان هفتمین دور فستیوال با کیفیت مطلوبی منتشر کنیم. همگی اجرا‌ها ضبط شده‌اند. عکس‌های بسیار درخشانی از هنرمندان در روزهای جشنواره گرفته شده و ارتباطاتی ایجاد شده. امیدوار هستیم این ارتباطات به‌عنوان سرفصل اقدامات بعدی در به‌جا‌آوردن شناخت بیشتر از موسیقی اقوام ما را یاری کند .

زیر درختان زیتون

افتتاح «سینما-حقیقت» بانمایش راش‌های دیده‌نشده «باد صبا»



● **گروه هنر:** آیین افتتاحیه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما- حقیقت صبح روز دوشنبه، ۱۸ آذر با اجرای منصور ضابطیان برگزار شد. محمد حمیدی‌مقدم (دبیر جشنواره)، منوچهر انور، محمدرضا اصلائی، جمعی از اهالی سینمای مستند طیباب، احمد ضابطی جهرمی، سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد (معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی)، محمود اربابی (معاون توسعه فناوری و مطالعات سازمان سینمایی)، لادن طاهری (مدیر فیلمخانه ملی ایران)، فرشاد فداییان، ارد عطارپور، بابک کریمی و جمعی از اهالی سینمای مستند و رسانه از جمله حاضران در این مراسم بودند. در ابتدای این مراسم ضابطیان از نصرت کریمی، کارگردان و گوینده قفید سینمای مستند، یاد کرد و از حضار خواست تا ۳۰ ثانیه به احترام او سکوت کنند. سپس محمد حمیدی‌مقدم ضمن خوشامدگویی به حاضران گفت: «سینما بسیار متفخرم که خانواده سینمای مستند من را به‌عنوان مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و دبیر جشنواره سینما- حقیقت پذیرفته‌اند؛ جشنواره‌ای که ۱۲ دوره خود را با ثبات و کیفیت بسیار عالی سپری کرده است و از آقایان محمد آفریده، فرشاد غلامحیدیان و محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، دبیران دوره گذشته، قدر دانی می‌کنم». دبیر جشنواره سینما- حقیقت تأکید کرد: «یکی از اتفاقات مهم امسال اضافه‌شدن سالن موزه سینما به جشنواره در طول برگزاری این رویداد هنری است. گسترش مخاطبان سینمای مستند در شهرستان‌ها برای ما اتفاق بسیار خوشایندی است. با ۲۰ سال تعامل داشتیم تا سرچیده جشنواره سینما- حقیقت برای مخاطبان در این‌س مناطق نمایش داده شود. به نظر امسال سال سینمای مستند ایران بود، از جمله حرکت نوگرایانه انتخاب یک فیلم مستند به‌عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار که حرکتی بزرگ و پیشرو برای سینمای ایران بود». دبیر جشنواره درباره تمرکز بر سندگرایی جشنواره امسال بیان کرد: «ما بر هویت سندی و سندنگاری سینمای مستند تأکید داریم و با توجه به تعامل فیلمخانه سینمای ایران با جشنواره سینما- حقیقت، راش‌ها و تصاویر دیده نشده از مستند «باد صبا» به‌عنوان هدیه افتتاحیه جشنواره به نمایش در خواهد آمد. شاید ما تنها شنیده‌هایی از جمله صدای ماندگار استاد منوچهر انور را از این فیلم به یاد داشته باشیم. از مدیر فیلمخانه ایران بابت این هدیه بسیار سپاسگزارم». در ادامه منوچهر انور در سخنانی درباره مستند «باد صبا» گفت: «مرحوم لاموریس بسیار برای تولید این پروژه اذیت شد، تمایل داشت نریشن انگلیسی مستند را اولوسن ولز بخواند اما به او گفته بودند که ما در ایران کسی را داریم که می‌تواند این کار را انجام دهد. دوستانی در ایران داشت که او را راهنمایی کردند تا عنوان «باد صبا» را برای این فیلم انتخاب کند. او سپس به دوست مشترکی که داشتیم مراجعه کرد و از اینکه به او پیشنهاد شد تا یک ایرانی نریشن انگلیسی فیلم را بگوید، گلایه‌مند بود. در نهایت قرار ملاقاتی گذاشتیم و وقتی فهمید من فیلم هم ساخته‌ام شنخود شد و متنی را برای من نوشت به من داد که به انگلیسی خواندم و مورد قبولش واقع شد». او ادامه داد: «او بسیار آدم نازنین و شریفی بود و دوست داشت فیلم حالت دراماتیک داشته باشد، البته برای من چندان مطلوب نبود اما به احترام او انضمام دادم. این هنرمند من پاسخ به اینکه چطور می‌توان در ۹۰سالگی همچنان با شور و عشق زندگی کرد، گفت: «به نظر مفهومی به نام عشق به فرهنگ ما معنا می‌دهد و فکر می‌کنم با عشق بتوان تا پایان عمر با آرامش زندگی کرد و شوروشوق داشت». انور همچنین بیان کرد: «من هم راش‌هایی را که قرار است امروز به نمایش در بیاید، ندیدم و بسیار برای تماشای آن هیجان دارم». سپس محمد حمیدی‌مقدم (دبیر جشنواره)، محمدرضا اصلائی، منوچهر انور، حسین ترابی، بابک کریمی، منوچهر طیباب، احمد ضابطی جهرمی روی صحنه حضور پیدا کردند تا به‌صورت رسمی جشنواره سینما-حقیقت را افتتاح کنند. در پایان ۲۵ دقیقه از راش‌های دیده‌نشده فیلم باد صبا برای حضار به نمایش درآمد.

آشغال‌های دوست‌داشتنی: متقاضی جشنواره فجر

● **گروه هنر:** نسخه جدید فیلم سینمایی «آشغال‌های دوست‌داشتنی» با عنوان «آشغال‌های دوست‌داشتنی اصل» متقاضی حضور در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر شد. محسن امیریوسفی، کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده این فیلم، در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی اصل» با زمان ۵۵ دقیقه با نسخه اکران‌شده تفاوت دارد. این تفاوت شامل ۱۵ دقیقه سکانس‌های اضافه‌شده و حدود ۴۰ دقیقه پلان‌های جایگزین‌شده با نسخه اکران‌شده است که جداگانه فیلم‌برداری شد. البته فیلم‌نامه «آشغال‌های دوست‌داشتنی اصل» دقیقاً منطبق بر پروانه ساخت فیلم اولیه است و از نظر من قانونی مشکلی برای ساخت و تولید نداشته است».